

زنان در تاریخ

بیشتر آگاهی و اسنادی که از زندگی زنان در دروران صفویه در دست است درباره زنان اشراف و درباری و خانه نشین است. از زنان هنرمند و دانشمند نامی در دست نیست. تنها یکی از جهانگردان ایتالیائی به نام «پی تیر دولا واله» از هنر اسب سواری و تیر اندازی آنهم در بین زنان درباری نه توده زنان طبقات مختلف چنین یاد می کند: «زنان حرم شاه در تیر اندازی بسیار ماهرند... اگر تنها با شاه باشند، با کمال چابکی و مهارت بر اسب می نشینند و با شمشیر و کمان به شکار می پردازند... هر وقت شاه همراه حرم بود، زنان بر اسب می نشینند و رویند خود را بالا می زدند و با روی گشاده حرکت می کردند و شاه می گفت و می خندید. اما اگر شاه خود همراه حرم نبود، زنان را در کجاوه هائی که به پشت استر یا شتر گذاشته می شد، جای می دادند... فرمان شاه این بود که چشم نامحرمی نبایستی به روی زنان حرم افتد، و اگر مردی بر سر راه ایشان دیده شود باید او را بیدرنگ بکشند.»^۴

بدین روی همه توانایی جسمی و هوش و استعداد ذاتی زنان خاموش مانده و زمان را با تنبلی و خانه نشینی می گذرانند. این اسارت تا به جایی می رسید که شاه کنیزکان خود را به مردان می بخشید. با این همه، گاه تاریخ از نام زنی با سیاست به نام پریخان خانم دختر شاه طهماسب یاد می کند. این زن، با نفوذ و سیاست چشمگیری توانست در تصمیم گیریهای سیاسی پدروسران ایلها شریک باشد و در روی کار آمدن سلطان محمد خدابنده نقش مهمی را اجرا کرد. شوربختانه پریخان خانم مورد حسادت و دسیسه های همسر سلطان محمد به نام مهدعلیا قرار گرفت و سر را در این راه از دست داد. به فرمان مهد علیا او را کشتند سرش را با موی خون آلود بر دروازه قزوین به تماشای مردم گذاشتند. در چنین اجتماعی چگونه زنان می توانستند به رشد علمی و سیاسی برسند؟ مهدعلیا نیز بازده دسیسه های خود را دریافت کرد و سران ایلاتی که از او ناراضی بودند روزی به حرم تاختند و سر او را از تن جدا و دارئی او را به غارت بردند.

*استاجلو، تکلو، روملو، وارساق، ذوالقدر، افشار، قاجار، شاملو و صفویان قراباغ

۱- تاریخ کامل ایران، پیشین، برگ ۴۱۲

۲- تاریخ اجتماعی ایران، پیشین، جلد ۳، برگ ۷۰۳

۳- زندگانی شاه عباس اول، نصرالله فلسفی، جلد ۲، برگ ۲۳۱

۴- تاریخ اجتماعی ایران، برگ ۷۰۴ و ۷۰۵